

گزارش

## علم یا جان دانش آموز؟

دانش آموزان مبتلا یا مشکوک به کرونا در فضای قرنطینه امتحان می دهند

**شهرودنا** حضوری و غیرحضوری بودن امتحانات دوباره ماجراساز شد. ماجرایی که در نهایت رأی بر حضوری بودن امتحانات داد. رأی که ۶۴ هزار دانش آموز را مکلف کرده در جلسات امتحانات پایه دوازدهم حاضر شوند؛ ۶ هزار و ۷۰۰ پایگاه. البته پایه نهمی ها هم هستند، حدود یک میلیون و ۱۲ هزار دانش آموز.

قرار بر حضوری بودن امتحانات پایه دوازدهم و نهم است، اما خانواده ها همچنان نگران اند. نگرانی از موج چهارم و احتمالاتی که در جلسات حضوری بالا می روند. هرچند همه این دلواپسی ها یک پاسخ تکراری داشت؛ رعایت پروتکل های بهداشتی. خانواده هایی که هنوز پاسخی برای چرایی برگزاری حضوری امتحانات نگرفتند.

مسئولان برگزاری امتحانات البته همچنان تأکید بر این دارند که نگران نباشید! آنها از تدابیری می گویند برای پایین آوردن احتمال ابتلای دانش آموزان. از رعایت پروتکل های بهداشتی، رعایت فاصله دو متری صندلی ها، نظارت بر رفت و آمد دانش آموزان البته توسط خانواده ها. هرچند تدابیر آموزش و پرورش به اینها ختم نمی شود. قرار است دانش آموزان مشکوک به کرونا در قرنطینه آزمون بدهند. دانش آموزانی با بیماری های زمینه ای هم جداگانه امتحان می دهند. البته آموزش و پرورش فراموش کرده تکلیف دانش آموزانی را که یکی از اعضای خانواده شان درگیر کروناست، مشخص کند؛ ناقلان بی علامت!

### حضور بودن، قطعی است

آموزش و پرورش از اهمیت آزمون های پایه دوازدهم و نهم می گوید. از نتیجه این آزمون در هدایت تحصیلی دانش آموزان. در میانه گفتن از نگرانی ها و تدابیر اما آموزش و پرورش بر این باور است حضوری بودن امتحانات احتمال تقلب را پایین می آورد! دلیلی که به نظر می رسد اهمیتش برای آموزش و پرورش تا جایی است که تصمیم گرفته احتمال ابتلای دانش آموزان به کرونا را به جان بخرد.

تقلب در امتحانات و احتمال حداقلی کردن آن. همه دانش آموزان قدیمی و دانش آموزان فعلی می دانند که تقلب بخشی از امتحانات است؛ چه حضوری چه غیرحضوری. نکته جالب در این میان اما سکوت مسئولان وزارت بهداشت است. مسئولانی که در مورد بالارفتن احتمال ابتلا در سفرها هشدار می دهند یا از شهروندان می خواهند شب های قدر در خانه بمانند، اما در مورد خطر تشدید شیوع کرونا به واسطه حضوری بودن شان چیزی نمی گویند.

همه امیدها به غیرحضوری شدن امتحانات به تصمیم ستاد ملی کرونا بود. امیدی که خیلی زود ناامید شد. ۱۵ اردیبهشت سخنگوی ستاد ملی کرونا از مطرح شدن بحث امتحانات در کمیته ای تخصصی خبر داد. علیرضا رئیس از نظرات مختلف در این مورد گفت. رئیس اما در ادامه صحبت هایش معتقد بود نکته ای که باید بر آن تأکید کنیم حضوری بودن امتحانات است؛ تصمیمی که به باور او هم قطعی بود و هم پذیرفته شده از طرف کمیته.

### مخالفانی که راه به جایی نبرند

نگرانی برای حضوری بودن امتحانات دو پایه نهم و دوازدهم به مجلس هم رسید. نگرانی که باعث شد نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به وزیر آموزش و پرورش نامه بنویسد. «با اشاره به وضعیت فعلی شیوع کرونا و با توجه به برگزاری کلاس های ترم جاری به صورت مجازی و تجربه موفق امتحانات غیرحضوری در ترم های گذشته، برگزاری امتحانات به صورت غیرحضوری می تواند مدنظر قرار گیرد.» مهدی اسماعیلی، نماینده میانه هم از مخالفان مجلس بود برای حضوری برگزار شدن امتحانات. دوران تصور است بتوانیم آزمون ها را به صورت حضوری برگزار کنیم. نظر آقای وزیر هم این نبوده که الزاما باید آزمون های مدارس به صورت حضوری برگزار شود، مگر اینکه شرایط ایجاب کند.» البته وزیر آموزش و پرورش حضوری بودن امتحانات پایه های نهم و دوازدهم را مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش می داند.

این تصمیم مخالفان دیگری هم به خود دیده است. اواخر فروردین بود که سروکله هشتگ «نه به امتحانات حضوری» دوباره در شبکه های اجتماعی پیدا شد. هرچند بحث کمی قبل تر از آن یعنی از ۲۵ فروردین شروع شده بود. از روزی که رئیس مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی از برگزاری حضوری امتحانات پایه های نهم، دوازدهم، داوطلبان آزاد، جهشی، ایثارگران و بزرگسالان در خرداد ۱۴۰۰ خبر داده بود. خسرو ساکی گفته بود. «بر اساس مصوبه ۹۷۷ شورای عالی آموزش و پرورش، امتحانات خرداد ۱۴۰۰ فقط برای دانش آموزان پایه «نهم» و «دوازدهم» به صورت حضوری است.

به باور این عضو هیأت مدیره انجمن روانشناسی اجتماعی ایران چنین جامعه ای سرمایه فردی و اجتماعی اش را از دست می دهد. «چنین جامعه ای به فرض داشتن منابع طبیعی و ثروت های خدادادی همچنان فقیر و رو به فروپاشی از درون است. برای پیشگیری از وقوع ترازوی اجتماعی همه مسئولند و باید آگاهانه به مسئولیت خود عمل کنند.»

### مهاجرت به حاشیه و شهرهای اقماری

سبک زندگی و رفاه شهروندان در جوامع نظام مند، انعکاس توانمندی های دولت در دو حوزه اقتصادی و اجتماعی است. از منظر اجتماعی در جهان هر قدر اقتصاد به تحولات سیاسی وابستگی بیماگونه داشته باشد، شاهد گسترش خط فقر خواهیم بود.

«مصطفی آبروشن» بر این باور است در این معادله از قشر متوسط جامعه کاسته و به طبقه فقیر افزوده خواهد شد. در همه جای دنیا، طبقات بالا، متوسط و زیر متوسط در مناطق مشخصی از منظر جغرافیایی در شهرها زندگی می کنند.

بر این اساس به راحتی می توان الگوهای فکری، رفتاری و سبک زندگی شان را حدس زد. هر چند عواملی همچون تورم و بالا رفتن قیمت مسکن دست به تغییر این فرضیه می زند. فرضیه ای که باعث می شود مهاجرت های بین شهری و تغییر محل زندگی به خصوص به طبقات متوسط و پایین جامعه تحمیل شود.

این جامعه شناس شهری برای روشن تر شدن وضعیت کنونی جامعه ایران از خانواده های تهرانی می گوید. خانواده هایی که در تقسیم بندی ها در پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالای جامعه قرار می گیرند. خانواده هایی که به علت عدم توان اقتصادی به مناطق متوسط شهری نقل مکان کرده اند. در کنار این خانواده ها، هستند گروهی که جزو طبقات متوسط شهری به حساب می آیند. خانواده هایی که تورم و شرایط اقتصادی آنها را به مناطق جنوبی هدایت کرده است. «جمعیتی که ناخواسته به حاشیه شهرها یا شهرهای اقماری کوچ کرده اند.»

### جامعه ای بادوقطب دارها و نادرها

شهروندان تمایل دارند تا در سلسله مراتب قشر بندی اجتماعی، پایگاهی متناسب با سعی و تلاش شان کسب کنند. متأسفانه وضعیت آشفته اقتصادی سال ها تلاش خانواده ها را در به دست آوردن موقعیت های ممتاز اجتماعی بی اثر کرده است. به عبارتی درک تنزل طبقاتی که در قالب جابه جایی خانواده ها از مناطق مطلوب و قابل قبول به سمت مناطقی که برچسب های شایسته ای ندارند، به شدت سخت و از منظر اجتماعی و روانی برای شهروندان غیر قابل پذیرش خواهد بود.

«آبروشن» معتقد است این احساس محرومیت و فقر نسبی، نارضایتی های گسترده ای را در ذهن این دسته از طبقات اجتماعی شکل داده است. به باور او یک نظام اجتماعی زمانی پایدار بوده و از سلامت ساختاری برخوردار است که طبقه متوسط آن از منظر آماری در اکثریت قرار داشته باشند.

طبقه ای که اهمیت نقشی که در اجتماع بازی می کند، باعث شده دولت ها تلاش کنند با حذف تورم، ایجاد اشتغال بهینه و رفع بیکاری به افزایش این قشر-قشر متوسط- کمک کنند. قشری که به باور جامعه شناسان و صاحب نظران نقش مؤثری در پویایی سیاسی-اقتصادی جامعه دارد و همیشه نقش اصلی را در توسعه اجتماعی عهده دار می شود. این در حالی است که جامعه ایران شاهد کوچک شدن طبقه متوسط شهری است؛ قشری باشد تحصیلی و فرهنگی که از لحاظ اقتصادی روز به روز در حال فروپاشی و تنزل است. «جامعه بیشتر به دو قطب دارا و نادر تقسیم شده است.»

# خوش نشینی هم لاکچری شد

۴۷ درصد، یعنی نیمی از شهروندان تهرانی اجاره نشین هستند



اجاره نشین هایی که هر واحد را به طور میانگین ۶٫۹ درصد گران تر اجاره کردند.

در پاییز همان سال بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، خانوارهای شهری ۷٫۲ درصد تورم در بازار اجاره را تجربه کردند. «گیتی اعتماد» معتقد است مسأله اجاره نشینی روزه روز بیشتر خواهد شد. این شهرساز بر این باور است ادامه

این روند منجر به عمیق تر شدن شکاف طبقاتی هم خواهد شد. «دور نیست زمانی که فرزندان ما هم حاشیه نشین شوند.»

«اعتماد» ساختن مسکن با اجاره بهای پایین را راهکار کشورهای مختلف برای جلوگیری از شکل گیری حاشیه نشینی عنوان می کند.

مسکنی برای اقبال کم درآمد. هر چند مسکن مهر تجربه ایران بود در این عرصه. «این مسکن به درد چه کسی خورد؟ پروژه ای که تنها سرمایه کشور را هدر داد.»

مسکن مهر پروژه ای بود در راستای خانه دار کردن دهک های پایین جامعه. پروژه ای که در حاشیه شهرها استارت خورد، البته بدون در نظر گرفتن امکانات و خدمات مورد نیاز زندگی. «در ابتدای این پروژه هم مبالغی که از متقاضیان طلب می شد در حد توان شان نبود.»

آمارهای روایتگر این مسأله اند که حدود ۱۹ میلیون نفر از ایرانیان در ۳ هزار منطقه حاشیه نشینی سکونت داشتند، اما امروز بعد از دو سال باور دمان با وقوع بحران های مالی و اقتصادی در کشور، این جمعیت به ۳۸ میلیون نفر رسیده؛ عددی که داستان نابرابری های اجتماعی و تبعیض سیستم اقتصادی را روایت می کند. «داریم قشر متوسط را از دست می دهیم.»

### در آستانه ترازوی اجتماعی

بررسی ها و تحقیقات حکایت از این دارند که اساسی ترین و ابتدایی ترین نیاز انسان، نیاز به سرپناه است. نیازی که در صورت برآورده نشدن، احساس ناکامی در فرد ایجاد می کند. حسی که در صورت تداوم باعث خشم و در نهایت پرخاشگری می شود.

«مجتبی دلیر» از نظریه ای در روانشناسی اجتماعی می گوید: باور به دنیای عادلانه. افراد ذاتا باور دارند هر کس به آنچه شایسته و سزاوارش است، خواهد رسید. «دلیر معتقد است افراد برای به دست آوردن آنچه در اثر بی عدالتی به آن نرسیده اند، دست به هر رفتاری خواهند زد. از چنین افرادی هیچ چیز بعید نیست!»

به باور او هر انسانی برای برآورده کردن نیاز به امنیت و سلامت باید بتواند برخی وقایع زندگی اش را پیش بینی کند. اگر محیط پیرامون و شرایط حاکم به گونه ای باشد که رخداد های زندگی قابل کنترل نباشد، نتیجه اش از دست رفتن کنترل، واکنش مخالف روانشناختی یا درماندگی و افسردگی است. «افسردگی اجتماعی حاصل کاهش احساس کنترل افراد بر سرنوشت شان است.»

«دلیر» معتقد است از دست رفتن امنیت روانی رابطه مستقیم با افزایش رفتارهای ضد اجتماعی و انواع آسیب های اجتماعی دارد. «فردی که امنیت روانی ندارد، دیگر کارآمدی لازم را نخواهد داشت.»

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معتقد است در وضعیت پسا جدید قرار داریم. به این معنی که معیار نرمالینت به فروریخته. نه تنها در ایران بلکه در جهان. این جامعه شناس از مهاجرت معکوسی می گوید که قرار است اتفاق بیفتد. «این مهاجرت نه به زیستگاه هاست، نه به روستاها بلکه به حاشیه هاست.»

شهروند امروزه روستایی است و نه شهری. بلکه پدیده بینابینی وجود دارد که حاصل دوران پسا جدید است. شهروندی که نه قدرت زندگی شهری را دارد، نه زندگی روستایی را موخته. «شهروندی که ذهنش شهری است. درآمدش حاشیه ای.»

### قشر متوسط، نزدیک به خط فقر

اجاره نشین ها برای خانه دار شدن حدود ۲۲ سال و هشت ماه به انتظار بنشینند. نتیجه ای که آمارهای ۹۸ بر اساس میانگین قیمت خانه و درآمد سالانه به آن رسیدند. البته به شرط ثابت ماندن قیمت مسکن یا برابری افزایش دستمزدها با تورم سالانه مسکن. «قصر فلاح» سرریز شدن جمعیت به حاشیه ها را مربوط به دهه ۷۰ می داند. دوره ای که اسلامشهر، نسیم شهر، صبا شهر... اقامتگاه سرریز جمعیت تهران بودند. به باور «فلاح» دودسته در این اقامتگاه ها ساکن بودند. گروهی فقیر که توان پرداخت اجاره بها را نداشتند. گروه دوم قشر متوسطی بود که با بالا رفتن هزینه های زندگی به حاشیه یا به سمت کرج، دماوند، پردیس و... روانه شدند.

حاشیه نشینی اما این روزها بخش لاینفک کلانشهر هاست؛ پدیده ای ناهنجار که خود روایتگر داستان اش است. «تورم و بالارفتن هزینه خانوارها باعث شده خانواده ها مجبور به تغییر محل زندگی شان شوند.» تورم، رکود اقتصادی و عواملی هستند که موجبات مهاجرت اجباری رافراهم می آورند.

مهاجرانی که از منطقه ای به منطقه دیگر رفته و در نهایت به حاشیه شهر تبعید می شوند. «فلاح» معتقد است این دست مهاجران همیشه در حالت اسکان موقت باقی می مانند. آنها در ناخود آگاه محل زندگی جدید شان را همیشه نمی دانند و به آن تعلق خاطر ندارند. «همیشه در فکر بازگشت به تهران هستند.»

حاشیه نشینی یا اسکان غیر رسمی پدیده ای گره خورده با آسیب های اجتماعی؛ اعتیاد، خودکشی، بزه کاری و... «تورم بیش از همه بر اقشار آسیب پذیر تأثیر می گذارد.» به باور «فلاح» تأثیر تورم بر اقشار میانی جامعه گسترش خط فقر است. در واقع تورم موجب می شود به تعداد فقرا اضافه شود. به این معنی که با جولان تورم، قشر متوسط نزدیک به خط فقر به زیر خط سقوط کرده و به آمار فقر اضافه می کنند. «تورم باعث می شود اقشار متوسط، مسکن شان را هم از نظر کیفی، هم کمی و هم کالبدی تغییر بدهند.»

### تحلیل رفتن قشر متوسط جامعه

در سه سال گذشته، بیشترین تورم فصلی اجاره بهای مسکن، مربوط به تابستان ۹۷ است با ۹٫۱ درصد. بعد از این تابستان بیشترین افزایش اجاره بهای فصلی را پاییز ۹۷ به ثبت رساند آن هم با عدد ۸٫۵ درصد. تابستان ۹۸ هم شوکی به جان اجاره نشین ها انداخت؛

**لیلا مهداد** «تهران دیگر شهر ما نیست». نوجوانی و جوانی اش را در مرکز شهر جا گذاشته. میان خیابان و کوچه های جمهوری. ازدواج که کرد، شد ساکن یکی از همان خانه ها اما استیجاری. «مدتی هست، از تهران زدیم بیرون.» فشار اجاره ها که امان از «افسانه» و همسرش بُرد، پناه بُردند به خانه ای کوچک تر در یکی از محله های قلعه حسن خان. «سال دیگر فکر نمی کنم اینجا بتوانیم خانه اجاره کنیم.» اجاره خانه ها از درآمد ها پیشی گرفته اند. هیولایی که هوس کرده تمام دارایی خانواده ها را بلعد. «سال آینده در یکی از شهرهای شمالی خانه اجاره می کنیم.» غم با چشم هایش عجین شده؛ غم ناامیدی. «چقدر مگر حقوق می گیریم؟ با این درآمد ها، اجاره بدهیم، پول خوراک یا بهداشت بدهیم؟» روسری بزرگ مشکی اش را روی سرش جابه جامی کند. «یعنی ۵ متر از این شهر سهم ما نیست؟» راهش را کج می کند و می رود. اما کمی با صدایی بلندتر که حالا با کمی بغض همراه است، می گوید: «دیگر با سبیلی هم نمی توانیم. صورت مان را سرخ نگه داریم.»

«کاوه» هم به «قم» فکر می کند. به امید اجاره خانه پایین تر. «اجاره خانه تمام درآمد مان را می بلعد. خانه دار شدن دیگر محال است.» سه سالی است دو شیفت کار می کند تا شرم سرش را پیش صاحبخانه پایین نیاورد. «خانه دار شدن؟ شدنی نیست.» سرش پایین است. بانوک کش خاک روی آسفالت را کمی این طرف و آن طرف می کند. «شرمنده شدن مرد می فهمید یعنی چه؟» یک باره عصبانیت می تازد به وجودش. صورتش سرخ می شود.

«ما فیایی پشت این ماجراست؟ اجاره خانه از چه چیز تبعیت می کند؟ چرا این همه اجاره نشینی سخت شده؟» هنوز نشانه های عصبانیت را می توان در صورتش دید. رگ های گردنش متورم شده و آندون صدایش بالا رفته. از سوختن رویای خانه دار شدن می گوید. از تاختن قیمت خانه و بالا رفتن اجاره خانه ها. «مسئولان می دانند هر متر خانه در تهران چندا جاره داده می شود؟»

اجاره نشینی؛ کابوس هولناک این روزهای خانواده ها. روزگاری اجاره نشین، خوش نشین بود؛ دوران طهران و دوازده هایش. دوازده هایی که قهر کردند و رفتند. طهران هوس بزرگ شدن کرد و خانه ها سودای قند کشیدن، خیر بزرگ شدن طهران که به همه جا رسید، حتی خانه های نقلی میانه و پایین شهر هم خواهان یافتند. سودای زندگی بهتر، همه گیر شد. هوس خیابان های سنگفرش و صدای چرخ کالسکه ها. دارالخلافه شد شهر رویایی آدم های دورو نزدیک. دارالخلافه ای که حالا بعد از دو قرن ۴۷ درصد ساکنانش خانه به دوش اند؛ یعنی نیمی از جمعیت پایتخت. خانه به دوشانی دلواپس و هراسان برای از دست دادن سقف موقتی شان.

شهروندانی با ذهن شهری و درآمد حاشیه ای فکر تپس زدن دروازه ها از سال ۱۳۲۷ تهران را قیلقک داد، به امید طهرانی مدرن. یعنی از حدود ۱۴-۱۳ سال پیش. شهری که از همان روزگار از انسان محروم بود گذر کرد و سرمایه شد محور شهرنشینی. نگاهی که از او آخه دوره قاجار شکل گرفت، هر چند تغییرات جمعیتی به آن دامن زد. جمعیتی که از روستاها مسیر شهرها را در پیش گرفتند؛ شهرهایی که شاهد سرریز جمعیت بودند، کجا کار یافت می شود؟ چه میزان سرمایه داریم؟ سرمایه ای که تعیین کننده محل سکونت شهروندان بود.

اجاره نشینی حالا سبک و سیاق خودش را پیدا کرده؛ اجاره، خانه برای دو خانواده یا اقامت یک ساله در پشت بام های این کلانشهر. هر چند خبرها جسته و گریخته از کانکس نشینی اجاره نشینان هم گفتند. سید جواد میری، نماینده میان محل کار و محل زندگی را یکی از مسائل اقتصاد در دوران صنعتی و فرا صنعتی می داند.

دهه ۴۰ شمسی سرآغاز شروع مهاجرت روستایی ها به شهرها بود؛ مسأله ای که پدیده حاشیه نشینی را به وجود آورد. پدیده ای که نشان می داد کشور به سمت صنعتی شدن پیش می رود. تهران آن روزها، حالا سال ۱۴۰۰ را تجربه می کند. کلانشهری با تمام دغدغه ها و گدایه هایش. این